

تاریخ معاصر ایران

مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۶

انتشارات شیرازه کتاب ما

www.ketab.ir



کودتای لاهوتی

تبریز، بهمن ۱۳۰۰

www.ketab.ir

کاوه بیات

سرشناسه	: بیات، کاوه، ۱۳۳۳
عنوان و نام پدیدآور	: کودتای لاهوتی: تبریز، بهمن ۱۳۰۰/نویسنده: کاوه بیات
مشخصات نشر	: تهران: انتشارات شیرازه کتاب ما ۱۴۰۳
مشخصات ظاهری	: شش، ۱۵۲ ص.
فروست	: مجموعه تاریخ معاصر ایران - ۶
شابک	: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۳-۳۱-۷
فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه
عنوان دیگر	: تبریز، بهمن ۱۳۰۰
موضوع	: لاهوتی، ابوالقاسم، ۱۲۶۶-۱۳۳۶
موضوع	: ایران- ژاندارمری- تاریخ Iran Gandarmerie—History
موضوع	: شورش ها- ایران- تبریز Riots—Iran—Tabriz
موضوع	: ایران- تاریخ- قاجاریان، ۱۱۹۳-۱۳۴۴ق - جنبشها و قیامها
موضوع	: Iran—History—Qajars, 1779-1925—Protest Movement
رده بندی کنگره	: DSR۱۴۷۴
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۷۵۲۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۸۹۶۳۹۸



کودتای لاهوتی

تبریز، بهمن ۱۳۰۰

نویسنده: کاوه بیات

انتشارات: پردیس دانش

چاپ و صحافی: پردیس دانش

تیراژ: ۳۳۰ نسخه

چاپ اول: شهریور ۱۴۰۳

حق چاپ و نشر محفوظ است.

تلفن: ۸۸۹۵۲۲۹۷ فکس: ۸۸۹۵۱۶۹۱

همراه: ۰۹۳۶۹۵۰۰۱۸۲

سایت: www.shirazehketaab.com

فهرست

۱	مقدمه
---	-------

۱۱	فصل اول: ماجرای ژاندارمری قم
----	------------------------------

۱۳	مساعدت سیاسی
----	--------------

۱۶	لاهوتهی خان، رئیس گروهان قم
----	-----------------------------

۲۲	تفتیش عمل
----	-----------

۲۴	تلفات سنگین
----	-------------

۲۷	سوء ظن
----	--------

۳۰	سالهای جنگ و هجرت
----	-------------------

۳۳	فصل دوم: تبریز دموکرات
----	------------------------

۳۷	شکست و عقب‌نشینی
----	------------------

۴۰	جبهه شرفخانه
----	--------------

۴۱	در آستانه قدرت
----	----------------

۴۴	صبح صادق
----	----------

۴۶	ژاندارمری تبریز
----	-----------------

۴۸	خون خیابانی
----	-------------

۵۱	حاضرین در تلگرافخانه
----	----------------------

۵۳	اصلاح ذات‌البین
۵۷	سلامت وطن
۶۲	تبریز دموکرات
۶۵	اعزام قوا
۶۸	قطع رابطه
۷۱	سرتیپ شیبانی
۷۴	به‌نام نامی دولت
۷۷	ختم غائله، سرآغاز فاجعه
۷۹	حکومت نظامی

۸۵	فصل سوم: فرار مسیین، سرکوب مصلحین
۸۸	«عاملین اصلی»
۹۲	ایالت مصدق
۹۵	در تعقیب لاهوتی
۹۹	سیاست عفو
۱۰۵	سرنوشت لاهوتی
۱۰۷	پرده آخر

۱۱۵	پیوستها
۱۱۷	جرائم لاهوتی در قم، پرونده‌ای ناقص
۱۲۵	بیانیه‌های لاهوتی

۱۳۱	فهرست منابع
۱۳۷	فهرست اعلام

مقدمه

در تاریخ ادبیات ایران لاهوتی شاعر با مجموعه‌ای از غزلیات، منظومه‌ها و قطعات گوناگون از موقعیت ثابت و شناخته شده‌ای برخوردار است. برخی از اشعارش را مردم در دل دارند، مجموعه یا منتخبی از آنها نیز به تفاریق منتشر شده و کم و بیش در دسترس است. ولی از لحاظ تاریخی، مازور ابوالقاسم خان لاهوتی افسر ژاندارم و رهبر کودتای تبریز در بهمن ۱۳۰۰ از موقعیتی هم‌پایه موقعیتش در تاریخ ادبیات معاصر ایران برخوردار نیست. در واقع می‌توان گفت که از بسیاری جهات این موقعیت ادبی، موقعیت تاریخی او را نیز تحت الشعاع قرار داده است؛ نه فقط گاه و گداری برداشتی مبتنی بر اشعار و سروده‌های او جایگزین زندگینامه تاریخی او شده است^۱ که حب یا بغض بر آمده از موقعیت او در مقام یک شاعر انقلابی نیز مانع از آن بوده که از حیات غیر ادبی او تصویری مطابق با داده‌های تاریخ فراهم آید.

۱. برای مثال بنگرید به مقدمه دیوان ابوالقاسم لاهوتی، با کوشش و مقدمه احمد بشیری، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۸، صص هفتاد و چهار تا صد و یازده.

هم‌زمان با اوج گرفتن شهرت و آوازه لاهوتی در مقام شاعری انقلابی، یعنی از هنگامی که با دامن گرفتن تبلیغات کمونیستی در ایران بعد از شهریور ۱۳۲۰ لاهوتی به سراینده‌ای تبدیل شد «... که برای نخستین مرتبه در سرزمینی که استثمار و مفتخوری حکمفرما است برای آزادی صنف ستمکش یعنی کارگر و برزگر جنگ را آغاز و از طبع گهربار و اشعار آبدار خود برای این مبارزه استفاده کرده است.»^۱ لزوم مقابله با این شهرت و اعتبار نیز از دید حرکت‌های ضد کمونیستی وقت پنهان نماند و مهم‌ترین اقدامی نیز که در این زمینه صورت گرفت جعل و نشر نوشته‌ای بود موسوم به شرح زندگانی من. در این کتاب که نخست به صورت متن افست شده یک دست‌نوشته منتشر شد^۲ «لاهوری» پس از اشاره‌ای مختصر به دوران جوانی و سال‌های کار و فعالیت در ایران، کل کتاب را به افشای نظام حاکم در شوروی و برنامه‌های سیاسی آن برای ایران اختصاص داده است. اگر چه جعلی بودن این کتاب از همان مراحل نخست نشر مورد بحث قرار گرفت و حتی لاهوتی به رادیو مسکو فراخوانده شد و مطالبی در تکذیب این نوشته بیان داشت^۳ ولی شرح زندگانی من به عنوان یکی از شاهکارهای تبلیغاتی عصر خود، تا سال‌ها بعد به صورت

۱. دیوان اشعار لاهوتی، به کوشش م. محمدلوی عباسی، تبریز، مهرماه ۱۳۲۰، ص دوم مقدمه.

۲. شرح زندگانی من، بقلم ابوالقاسم لاهوتی، ماشین چاپ (الکترونیک) امپراطوری، گندی راود، ۲۷۳ ص.

۴. برای آگاهی از این مباحث بنگرید به دیوان ابوالقاسم لاهوتی، پیشین، صص صد تا صد و هشت.

و اشکال گوناگون - از جمله یک متن حروفچینی شده - به حیات مستقل و مؤثر خود ادامه داد و بارها تجدید چاپ شد.

شرح زندگانی من نیز مانند هر اثر تبلیغاتی موفق دیگر آمیزه‌ای بود از دروغ و واقعیت؛ تلفیقی از داده‌ها و شایعات رایج آن دوره در مورد لاهوتی به طور اخص و کمونیست‌های ایرانی به طور کلی از یک سو و برنامه‌ها و اهدافی که تصور می‌شد دولت شوروی در قبال ایران دارد از سوی دیگر. نگاهی به بخش‌های اولیه شرح زندگانی من که به شرح زندگی لاهوتی به عنوان افسر ژاندارم اختصاص دارد، خود گویای کیفیت کلی کار است. چنان‌که در بررسی قسمتی از آن ملاحظه خواهد شد مطالب این بخش صرفاً بر مفاد کتاب سیاست دولت شوروی در ایران استوار است که چند سالی پیش از تدوین شرح زندگانی من منتشر شده بود، که آن نیز از لحاظ تاریخی با داده‌های موجود تطابق چندانی نداشت.^۱

با آن‌که در همان اوقات به درستی حدس زده شد که علی جواهرکلام یکی از روزنامه نگارهای توانای آن دوره در جعل این نوشته دخیل بوده است^۲ ولی از چگونگی پدید آمدن آن اطلاعات بیشتری در دست نبود تا آن‌که پس از انتشار مقاله «کودتای ۲۸ مرداد» مارک گازیوروسکی در سال ۱۹۸۷،^۳ که بخشی از آن به معرفی

۱. بنگرید به بخش پیوست‌های همین بررسی، پیوست شماره ۱.

۲. راهنمای کتاب، سال نوزدهم، شماره‌های ۱-۳، فروردین - خرداد ۱۳۵۵، ص ۲۳۸.

3. Mark J. Gasiorowski, "The 1953 Coup D'Etat in Iran", Int. J. Middle East. Studies, 19 (1987), 261 - 286.

فعالیت‌ها و عملکرد شبکه «بدامن» اختصاص داشت، کم و کیف کار نیز تا حدودی روشن شد. یکی از دستاوردهای مهم این شبکه که از سال‌های نخست جنگ سرد از سوی تنی چند از عناصر سیا - سازمان اطلاعاتی ایالات متحده - برای مقابله با تبلیغات کمونیستی در ایران تأسیس شده بود، جعل و نشر شرح زندگانی من به شمار می‌رفت،^۱ با انتشار خاطرات دونالد ویلبر یکی از اعضای شبکه «بدامن» جزئیات بیشتری از این امر آشکار شد.^۲ اگرچه در بازبینی متن خاطرات ویلبر توسط مقامات سیا - که ظاهراً شرط صدور مجوز انتشار کتب و نوشته‌های کارمندان سابق این اداره به شمار می‌آید - چهار پاراگراف که به موضوع شرح زندگانی من لاهوتی



این مقاله نخست به صورت یک جزوه جداگانه تحت عنوان کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ (ترجمه سرهنگ غلامرضا نجانی، تهران: شرکت انتشار، پاییز ۱۳۶۷)، آنگاه به‌عنوان یکی از ضمایم جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، اثر سرهنگ نجانی (تهران: شرکت انتشار ۱۳۶۸) منتشر شد.

۱. گازیوروسکی، «کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲»، پیشین، ص ۲۷، پاورقی شماره ۳.

9. D. Wilber, *Adventures in the Middle East*. Princeton, 1986, p. 191.

برای آگاهی بیشتر در این زمینه بنگرید به مقاله «توهم توطئه» نوشته احمد اشرف، فصلنامه فرهنگی و اجتماعی گفتگو، شماره ۸، تابستان ۱۳۷۴، صص ۴۵-۴۴.

در اینجا نگارنده فرصت را مغتنم دانسته، مراتب امتنان خود را از آقای احمد اشرف ابراز می‌دارد که گذشته از ارسال متن خاطرات مزبور، نگارنده را از محتوای مصاحبه خود با دونالد ویلبر که در آن موضوع جعل شرح زندگانی من صریحاً مورد اشاره قرار گرفته است نیز مطلع فرموده‌اند.

ناگفته نماند که در کتاب «رضاشاه» ویلبر که در ۱۹۷۵ در ایالات متحده منتشر شد، (Wilber Donald N., *Riza Shah Pahlavi*, New York, 1975) بخش مربوط به شورش

لاهوئی به صورت مجمل و گذرای مورد اشاره قرار گرفته است.

مربوط بوده است حذف شده (و در متن کتاب نیز به این جرح و حذف اشاره شده است) ولی لااقل انگیزه جعل آن دست نخورده برجای ماند. ویلبر می نویسد: «از چند سال پیش به این نتیجه رسیده بودم که اگر شوروی ها در تدارک قبضه امور در ایران بر آیند - احتمالی که ما همیشه آن را در نظر داشته و سعی می کردیم تا آنجا که از دستان بر می آید برای [مقابلۀ با] آن برنامه ریزی کنیم - رهبری این کار را نه به رادمش، یزدی، بهرامی، علوی یا یکی دیگر از رهبران چشمگیر حزب توده ایران، که به فردی محول می کردند که برای این کار آموزش دیده و در گوشه ای منتظر بود. اگر من بودم لاهوتی را انتخاب می کردم.»

ویلبر پس از اشاره ای کوتاه به کودتای بهمن ۱۳۰۰ لاهوتی در تبریز و فروپاشی آن در پی حمله قزاق ها می نویسد: «از حدود سال ۱۹۵۰ [۱۳۲۹] بود که دیوان ابوالقاسم لاهوتی، مجموعه اشعار وی که در ۱۹۴۶ در مسکو چاپ شده بود، به صورتی انبوه در کتابفروشی ها و بساط های کنار خیابان تهران پدیدار شد. در پایان هر قطعه شعر تاریخ و محل سرودن آن ذکر شده بود. بسیاری از این اشعار جنبه صریح مارکسیستی داشته، در ستایش از لنین، پرچم سرخ، انقلاب رهایی بخش ستمدیدگان و غیره سروده شده بود. محبوبیتی که ادعا می شد در جمهوری شوروی تاجیکستان - که فارسی زبان اصلی آن بود - دارد، به اندازه ای بود که ساختمان آپرا را به اسم وی نامگذاری کرده بودند. من این عمل را اقدامی دانستم در جهت تقویت موقعیت وی برای شغل آتی اش.»^۱

در کنار اقداماتی چون نشر شرح زندگانی من که سعی آشکاری است در دگرگونه و انمودن زندگی لاهوتی، این نکته را نیز باید خاطر نشان ساخت که طرف دیگر ماجرا یعنی طیف همدل با لاهوتی و آرمان‌های او نیز در روش‌تر ساختن مراحل مختلف زندگی لاهوتی - به ویژه سال‌های خدمت او در ژاندارمری - تلاش چشمگیری به خرج نداده است. چنین به نظر می‌آید که این گروه نیز لاهوتی را بیشتر در یک قالب افسانه‌ای می‌پسندد تا در یک چارچوب تاریخی، لاهوتی‌ای که «...ورود به ژاندارمری را امکانی برای نیل به هدف‌های دموکراتیک خود می‌شمرد» و در ایام خدمت در ژاندارمری قم نیز «... از احکام دولت سرپیچی کرد، عده خود را آماده قیام نمود ولی موفقیتی به دست نیاورد در نتیجه غیاباً محکوم شد و به ترکیه فرار کرد...»^۱. طبیعی است که مؤخره یک چنین مقدمه گنگ و نادقیقی، جز این نخواهد بود که در ادامه بنویسیم کودتای او در تبریز نیز «... آغاز یک جنبش متشکل و باهدفی بود که می‌بایستی همه نیروهای دموکرات و ضد امپریالیست آذربایجان را در خود متشکل کند...»^۲ و به همین ترتیب در کنار اشاره به خواسته‌هایی چون پرداخت حقوق معوقه - که می‌دانیم مطرح بود - از این سخن به میان آوریم که «... آن‌ها تقاضا می‌کردند که امپریالیست‌های انگلیسی از ایران بیرون رانده شوند، اصلاحات دموکراتیک در سراسر کشور صورت گیرد،

۱. عبدالصمد کامبخش، «شمه‌ای از تاریخ ارتش ایران و مبارزات دموکراتیک درون آن»، در مجموعه مقالات نظری به جنبش کارگری و کمونیستی ایران، انتشارات حزب توده ایران، بی‌جا، ۱۹۷۲، ص ۲۰۸.

۲. همان، صص ۲۰۹ - ۲۰۸.

رضا خان از وزارت جنگ برکنار...^۱ شود - که نمی دانیم آیا مطرح بود یا خیر - شرح و تفصیلی که بیشتر به روی دیگر سکه شرح زندگانی من شباهت دارد تا یک برداشت تاریخی.

اگر چه تجمع اولیه تعدادی از کمونیست های تبریز در اطراف ژاندارم ها به محض ورود آنها به شهر و احتمال وجود نوعی ارتباط پیشین میان شورشی ها و محافل تندرو تبریز، و از آن مهم تر فرار بعدی لاهوتی و اتباعش به شوروی موجب آن شده است که قیام وی را در ردیف حرکت های کمونیستی آن دوره طبقه بندی کنند، ولی داده های موجود و به ویژه بیانیه های برجای مانده از لاهوتی مؤید چنین تعبیری نیست.^۲ در واقع سوای پاره ای کلیات آزادی خواهانه که وجه مشخصه بسیاری از تحولات شورشی آن دوره بود، خواست شناسایی حقوق مادی و معنوی ژاندارماری به عنوان نیرویی متفاوت از قزاقخانه، تنها خواست مشخص و تعریف شده این حرکت محسوب می شد.

و به همین ترتیب در دقت و درستی بسیاری از مطالبی که در ادوار بعد در شرح و توصیف مراحل پیشین زندگی لاهوتی نوشته شد نیز تردید باید داشت. مأخذ اصلی این گونه نوشته ها که از وی چهره ای ترسیم می کند سرکش و انقلابی که از بدو جنگ های مشروطه دل درگرو اندیشه های سوسیال دموکراتیک داشت و در پی

۱. م. س. ایوانف، تاریخ نوین ایران، ترجمه هوشنگ تیزابی و حسن قائم پناه، بی جا، انتشارات

حزب توده ایران، ۱۳۵۶، ص ۵۲.

۲. برای آگاهی از متن این بیانیه ها بنگرید به پیوست شماره ۲ همین بررسی.

انقلاب اکتبر نیز مشخصاً به آرمان‌های کمونیسم روی آورد^۱، بیشتر تعبیر و تفسیرهایی است مبتنی بر مجموعه اشعار وی که سال‌ها بعد در اتحاد شوروی گردآوری و منتشر شد. تاریخ سرودن این اشعار که در مجموعه‌های فوق‌الذکر پای هر قطعه آمده است خود مبنایی شد برای بازسازی تحولات فکری و در مواردی چند نیز رویدادهای زندگی ابوالقاسم لاهوتی.^۲ حال آن‌که چنین به نظر می‌آید که اگر جز دیوان اشعار وی، منابع مستند دیگری را مآخذ قرار دهیم از لاهوتی سال‌های پایانی جنگ اول جهانی تا کودتای تبریز، حال اگر نگوئیم چهره‌ای متفاوت، لااقل چهره معتدل‌تری به دست می‌آید. برای مثال نه منظومه ایران‌نامه^۳ که شرحی است در توصیف و معرفی پادشاهان ایرانی از عهد باستان به بعد و نه مجله ادبی پارس که هریک نمونه‌ای هستند جدا و مستقل از مجموعه آثار رسمی او، هیچ یک نشانی از گرایش‌های تند انقلابی در خود ندارند.

در این بررسی که به دو دوره مشخص از زندگی لاهوتی پرداخته شده است، یعنی دوران ریاست او بر ژاندارمری قم (۳۲- ۱۳۳۰ ه.ق) و کودتای وی در تبریز (بهمن ۱۳۰۰) سعی شده است با استفاده از اسناد و نوشته‌هایی که یا تاکنون مورد توجه لازم قرار

۱. برای مثال بنگرید به بخش ابوالقاسم لاهوتی، ادبیات فارسی در تاجیکستان، نوشته یرژی بچکا (ترجمه محمود عبادیان و سعید عباژاد هجران دوست، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، ۱۳۷۲، صص ۱۳۶-۱۳۵).

۲. برای نمونه بنگرید به مقدمه دیوان لاهوتی، صص هفتاد و چهار تا صد و یازده؛ همچنین به تبع آن شمس لنگرودی، تاریخ تحلیلی شعر نو، تهران: نشر مرکز، ج ۱، ۱۳۷۰، صص ۵۹-۵۶.

نگرفته‌اند - مانند گزارش‌های مندرج در جراید وقت - یا اسنادی که به تازگی در دسترس آمده‌اند - مانند اسناد برجای مانده از مخابرات تلگرافی تهران - تبریز در بهمن ۱۳۰۰ - شرح بالنسبه واقعی تری از دوران نظامی‌گری لاهوتی به دست آید و طبیعتاً در حاشیه این بررسی برخی از شایعات و افسانه‌های رایج درباره این دو دوره از زندگانی وی به طور کلی و یا در مواردی خاص مانند داستان پرونده لاهوتی در ایام ژاندارمری قم، به صورتی مشخص مورد نقد و بازبینی قرار گرفته است. با توجه به روایات نادرستی که در همین دو مورد ملاحظه شد، چنین به نظر می‌آید که جا داشته باشد در باب سایر حکایات موجود در زمینه دیگر ادوار زندگی لاهوتی - به ویژه همان‌گونه که اشاره شد سال‌های جوانی او - نیز بررسی‌های دقیق‌تری به عمل آید. ناگفته نماند که در مورد همین دو دوره نظامی‌گری لاهوتی نیز نکات مبهم و ناروشن بسیار است؛ مثلاً هنوز نمی‌دانیم که علت واقعی ترک خدمت وی در ایام ژاندارمری قم چه بود و یا از آن مهم‌تر آن‌که در بهمن ۱۳۰۰، در آستانه شورش لاهوتی، میان ژاندارم‌های شرفخانه و محافل انقلابی تبریز چه ارتباطی برقرار بوده است و پرسش‌هایی دیگر از این دست که باید امیدوار بود به تدریج اطلاعات بیشتری در مورد آنها به دست آید.

در پایان جا دارد از راهنمایی‌های دوست گرامی آقای مسعود کوهستانی‌نژاد در زمینه بازتاب مطبوعاتی سرگذشت لاهوتی و مساعدت اولیای محترم موسسه مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی

(که اینک به موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران تغییر نام داده است) برای فراهم آوردن امکان بهره‌برداری از اسناد مخابرات تلگرافی تهران - تبریز در طول قیام تشکر گردد.

کاوه بیات

پاییز ۱۳۷۶